

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

خیانت بزرگ به مردم ایران به صلح و امنیت منطقه و جهان (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۶ مرداد خود خبری داشت که گرچه در نظر اول معماگونه و طنز آمیز جلوه نمیکند ولی در پس آن واقعیتی عیان و بیس

گفته است . برنامه کلی ما شامل ۲۳ رآ کشور ۲۰ هزار مگاتونی مولد برق اتمی است . چنانکه ارگانهای صلاحیتدار بین المللی بارها اعلام داشته اند بین ایجاد رآ کشور های اتمی و تولید بمب اتم فاصله چندانی نیست .
با مجموعه این اقدامات که از جهت محتوی خود خیانتی بزرگ به منافع مردم ایران و توطئه های جدی علیه امنیت خلیج فارس و منطقه و جهان است دولتهای ایران و امریکا هدفهای متعددی را دنبال میکنند که مهمترین آن عبارتست از تبدیل ایران به یک پایگاه نظامی در منطقه ، تا بتواند به همراه اسرائیل و عربستان سعودی و دیگر دست نشاندهگان امریالیسم در منطقه ، منافع امریالیستی پادشاهان نفت و مقاصد استراتژیک تجاوز کارانه پنتاگون را تأمین نماید . هنری کیسینجر صریحاً در مصاحبه نوسهبر گفت : « ایران با اتحاد شوروی هم مرز است و در منطقه ای بالقوه خطرناک و در میان همسایگانی قرار گرفته است که مباحثی بیشتر از ایران صرف خرید تسلیحات کرده اند و احتمالاً در آینده نیز چنین خواهند کرد . شورویها از عراق حمایت میکنند ، امریکابرای جبران نفوذ شوروی در خاور میانه و خلیج فارس باید ایران دوست خود و نفوذ آنرا با برجا نگاهدارد . » بیانات کیسینجر نشان میدهد که هدف تسلیح ایران بوسیله امریکا توطئه علیه همسایگان علیه اتحاد شوروی ، علیه جمهوری عراق و دیگر کشور های مترقی در منطقه است .

بلاوه انحصارهای امریالیستی ، با فروش بدون کنترل اسلحه به بهای گران در مقابل سعادت نفت خام به بهای نازل عملاً مساعی اوپک را برای افزایش بهای نفت ، بعد اقل اثر بخشی آن میرسانند . در این میان شاه ایران برای حفظ سلطنت مستبدانه و تأمین حق لالیلهای کلان خود و خانواده و چاکران خویش ، از هیچ خیانتی روگردان نیست و با اقدامات و سازش های تازه خود ، در عین حال بیاری اقتصاد بحرانی زده امریالیستی می شنایند و کسر موازنه مالی و بازرگانی امریکا را بصواب ثروت ملتی فقیر جبران میکنند و برپای سرکوب ملت ایران و خلیجهای دیگر خاور میانه ، تحت نظر دهها هزار امریکائی که در واقع ایران را اشغال کرده اند ، وضعی بوجود می آورد که میتواند عواقب دور و درازی هم برای کشور ما و هم برای صلح منطقه و جهان در بر داشته باشد .

حزب توده ایران این قرارداد را که وابستگی اقتصادی و سیاسی ایران را به امریالیسم امریکایمربوط تشدید میکند و مهمترین بخش درآمد ملی کشور ما را بسود انحصار های امریکائی و انگلیسی بهتر میدهد خیانت بزرگی به مصالح ملی کشور و مردم ایران می شمارد .

حزب توده ایران این قرارداد را که کشور ما را به پایگاه تجاوز امریالیسم امریکا بدل میکند بمشابه توطئه ای ضد صلح و آرامش ایران و سراسر خاور میانه و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند ، علیه جنبش های رهایی بخش مردم ایران و منطقه و بمشابه عملی خلاف گرایش مسلط عصر ما که در جهت تنش زدایی

مرداد ماه سال جاری هنری کیسینجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در قامت داشت و در جریان اقامت وی پروتکلی ایران بامضاء کیسینجر و هوشنگ انصاری ، اقتصادی و دارائی ایران رسید و موافق این لمی پنج سال آینده بازرگانی ایران و امریکا سالیانه ۶۵ درصد افزایش خواهد . رقم نجومی ۴۰ میلیارد دلار بالغ خواهد عین حال ایران و امریکا در جریان همین اعلام داشتند که تا سال ۱۹۸۰ کشور ما ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه هوایی و دریائی « غیر هسته ای » از امریکا بخرید . طی چهار سال گذشته خرید ایران از رزمیه اسلحه بهمین اندازه بوده است . به که در مطبوعات امریکائی نیز اعتراف شده ران طی چهار سال اخیر باندازه ای هواپیما ، تانک ، هایکوپتر و جنگ افزار های دیگر کرده که با آنت می تواند ارتش دو برابر ناتیا در سال ۱۹۷۸ داشته باشد ؛ کشور ما ۷۰ درصد مردم آن بیکلی بیسوادند ؛ برای این اسلحه پیچیده و مدرن که بنا به تصریح امریکا ، در استفاده از برخی از آنها ، بعلت تنی ، حتی وزارت دنیا داری امریکا دچار شده است ؛ هزاران تن رابین فنی امریکائی کرده است . تعداد این رابینان و وابستگان هم اکنون تا ۲۸ هزار تخمین میزنند و در این تعداد تا ۶۰ هزار نفر بالغ میگردد . هیچ مطبوعات امریکا بدین ترتیب ، اقلیت رنگینی ، در نفوس ایران جلی دوم را پس از بیخی ارمنی میگزید ؛ معامله با امریکا با ما بی با انگلستان همراه است . در ماه مرداد ۵۰۰ میلیون لیره اسلحه بیوزمه موشکهای بیرو از انگلستان ، بصورت پایبایی و در مقابل ت خریداری شده . تحویل نفت در مقابل اسلحه نا کرده ایران با امریکا نیز هست . در این مورد ، در مصاحبه اخیر خود در نوشهر با خبر امریکائی که همراه هنری کیسینجر پایبان ند گفت : « از نظر ایران نفت کالائی است ن با آن تجارت کرد . ما نفت میفروشیم و دیگر میخریم . زیرا نفت ما منعی است بسیار پیش و خریدار هرگز با وضع غیر منظره ای اهد شد . اگر ما قول مقدار معینی نفت را پنج سال به خریدار بدهیم ، این مقدار نفت ل داده خواهند شد . در تفسیر معامله پایبایی بلحه مطبوعات امریالیستی نیز اعتراف دارند قندیز برای آن اتخاذ شده است که جلوی ویک را حاکمی از اینکه ایران بدهی نفت خود را پایبانی تر از دیگر اعضای اوپک تعیین کرده ای گیرد . باین واقیبات باید افزود که ایران برآ کزرا کتور اتمی که انحصارهای امریالیستی با را در هشت تعلقه جهان در نظر گرفته اند ، گردد . در مصاحبه نوشهر شاه در این باره یی : « هشت یا ده دستگاه مولد اتمی مورد

چه کسانی در زندانهای شاه میسوسند ؟

تلخ نهفته است که ماهیت این رژیم پلید فساد پرور را بخوبی آشکار میسازد . « هویدا نخست وزیر در یک ابتدا عین خبر : « هویدا نخست وزیر در یک مجلس میهمانی با حمید کاشانی اخوان مدیر عامل فروشگاه بزرگ روبرو شد و به او گفت : « حالت چطوره ؟ ... شنیده ام به طیس مسافرت کرده بودی ، و بدنبال این احوال پرسوی زیر کانه که اشاره به اقامت اجباری مدیر فروشگاه ایران در طیس بود ، هویدا به کاشانی گفت : « حالا که مردم طیس از تو پذیرائی کردند ، تو هم یک کاری برای آنها بکن . » کاشانی اخوان نیز با تقدیم یک چک سیصد هزار تومانی برای کمک به عمران و آبادی طیس دین خود را به طیس ها ادا کرد ...

حمید کاشانی اخوان کیست ، « اقامت اجباری ، او در طیس و داخل ایلیسی زیر کانه ، هویدا به چه معنا است ؟ برای پاسخ به این پرسش ها و پرده برداشتن از روی این معما ها به خبری که تقریباً یک سال پیش در شماره ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ کیهان هوائی درج شده بود ، مراجعه میکنیم : « حمید کاشانی اخوان که به جرم گرفتاروشی باز داشت و به طیس فرستاده شده بود ، با عنوان کردن بیماری اجازه گرفت که در نقطه دیگری به مداوای خود بپردازد . وی با استفاده از این فرصت بجای آنکه همراه درمانی برود و خود را معالجه کند ، با خانواده خود به مشهد رفت و با گرفتن چند اطاق در « هایت هتل » (مجال ترین هتل خراسان) و در اختیار گرفتن یک تلهن با شماره مستقیم فعالیت های بازرگانی و دیگر کار های خود را اداره کرد .

این حوادث زمانی انجام گرفت و میگیرد که شاه علیه باصطلاح گرفتاروشی به جهاد اکبر برخاسته و این جهاد را یکی از اصول انقلاب خود قرار داده است . زمانیکه رژیم بیهانه مبارزه با گرفتاروشی هزاران تن از کسبه و پیشه ور خرده با را به زندانها میفرستاد ، جریده میگرد و از کسب و کار باز میداشت ، حمید کاشانی ها در مجال ترین هتل ها به زد و بند های بازرگانی خود ادامه میدادند . حمید کاشانی اکنون در ضیافت ها با نخست وزیر کشور هم پیاله میشود و دنباله در صفحه ۲

افکار عمومی در اروپای غربی بفعالیت ساواک اعتراض میکند

روز ۹ شهریور ماه رادیو تهران اطلاع داد که معاون وزارت خارجه سوئیس از ستیر ایران در برنت خواسته است که دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد « بعلت عملیات خلاف قوانین جاری سوئیس ، در ظرف ۴۸ ساعت خاک این کشور را ترک کند . رادیو تهران در رد این « اتهام » افزود که دبیر اول نمایندگی ایران در دفتر سازمان ملل متحد « مسئولیت امنیتی » داشته ، از ابتدای شروع بخدمت رسماً بمقامات امنیتی سوئیس معرفی شده و « سالها با آن مقامها همکاری داشته است . » رادیو تهران سپس ابراز حیرت کرد که « اکنون روشن نیست و توضیحی نداده اند مأموری که مورد مراجعه و همکاری بمقامات امنیتی سوئیس بوده چگونه مرتکب اقداماتی علیه منافع سوئیس و قوانین جاری آن کشور شده است ؛ !

پیش از هر چیز خبر رادیو تهران اعتراف آشکاری است باین که اولاً دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد در سوئیس - که یک مقام سیاسی است - عضو ساواک بوده است . ثانیاً این مأمور ساواک با مقامات امنیتی سوئیس همکاری رسمی و طولانی داشته است . و اما اینکه ساواک در اروپای غربی بر ضد ایرانیان و بویژه مبارزان ضد رژیم با سازمانهای امنیتی کشورهای غربی همکاری نزدیک دارد و بسیاری از مأموران سیاسی ایران عضو ساواک اند ، راز آشکاری است و گازی ندارد . تازه این « فقط اعتراف رسمی بیک مورد آن از طرف رژیم است . لذا حیرت رژیم از عمل دولت سوئیس بجاست . فقط گردانندگان دستگاه تبلیغاتی رژیم و فراموش کرده اند ، به مردم ایران بگویند که تصمیم دولت سوئیس مبنی بر اخراج یک عضو ساواک در نتیجه فشار افکار عمومی مردم سوئیس بوده است که بویژه در دوران اخیر به فعالیت جنایت کارانه و مخرب ساواک در کشور خود شدیداً اعتراض کرده اند .

اعتراض به فعالیت جنایتکارانه و مخرب ساواک ، منحصر به مردم سوئیس هم نیست . افکار عمومی در بسیاری از کشورهای اروپای غربی پیش از پیش نسبت دنباله در صفحه ۲

«سلطنت دیوانه میکند ، سلطنت مطلقه مطلقاً دیوانه میکند .»

شاه و مخبر دانمارکی

«محمول آب و هوا و جغرافیا»

مخبر دانمارکی هم مانند خیلی ها روزی از روزها (۱۵ خرداد ۱۳۵۵) بخاک نیابوران آمد تا با شاهنشاه آریا مهر ، مصاحبه کند و او هم فرصت را برای تحویل یکسلسله مطالب که فقط چنین شاهنشاه آریا مهری از عهده ابداع آنها برتواند آمد ، غنیمت شمرد . شاه نه فقط دیکتاتور است ، اعمال دیکتاتوری میکند ، بلکه لذت میبرد از اختیارات بی حد و مرز خود دم بزند . در این باره شاه مطالب زیرین را گفت : « تمرکز قدرت در دست شاهنشاه بخواست مردم ایران است و اگر تضایلات عمومی ایجاد میکرد ، اختیارات بیشتری به سازمانهای متعدد از سطح روستا تا سازمان های عالی سیاسی این کشور تفویض میشد . یعنی اینکه امروز او سلطان مطلق کشور است و حتی نخست وزیر و وزران و اعضاء مجلس شورا و سنای چاکران حقیری بیش نیستند ، خواست مردم ایران است ؛ پس قانون اساسی را که نوشت و انقلاب شریطیت چه بود ؟ شاه گفت : « تا کید میکنم که از قدرت کنونی برای خواست های شخصی استفاده نمیشود . » پس این میلیارد ها ثروت خانواده پهلوی ، این تجمل های خیره کننده ، این عیش ها و نوش ها ، جشنها و خروشها از کجا آمده است ؟ معلوم میشود ، که

نیم بین المللی ، است که طفلی اعلیحضرت را بیهوده متهم میکند ، و نیز گفت : « ما ایمان داریم که ۳۳ میلیون مردم این کشور خوستان صمیمی ما هستند . باستانه عده ای ناچیز ، تمام مردم ایران خوستان من هستند . مفهوم پادشاه در کشور من با مفهوم پادشاه در دیگر کشورها بسیار متفاوت است . نقشی که من دارم باید هر کس که در مقام پادشاهی این کشور باشد ایفا کند ، زیرا این خواست مردم و یا خواست طبیعت آنهاست (یعنی از بطن مادر شاه پرست بدنیای میآیند) . این مسئله مربوط به سنت و آداب ملی میشود . من مربوط به عادات است . این مسئله جغرافی و محیطی و آب و هوا و سیاست جهانی است . » جمله بسیار درم ولی عجیب و مرتجعانه است : سلطنت مستبدانه کنونی در ایران نه فقط نتیجه آداب و سنن ملی و عادات عمومی است (بقول معروف : اینکه هیچ !) بلکه یک مسئله « جغرافیایی و محیطی است » و آب و هوای ایران اقتضا میکند که یک قلدر بر کرده خلق بنشیند ، و سیاست جهانی سطابد که چنین کسی به وردار و ورسال ثروت جامعه و زجر و شکنجه و اعدام فرزندانش مشغول باشد . آب پاکیزه اعلیحضرت روی دست ملت ایران من الحال دنباله در صفحه ۲

شاه و مخبر دانمارکی

الی روز سی هزار سال محشر کبری ریخته اند. مخبر دانمارکی میبوسند: «اعلیحضرت ا شما وظایف و مشور لیت های بسیار زیاد دارید» در مراسم متعدد شرکت میفرمائید. در چنین شرایطی اعلیحضرت فرصت کافی برای مطالعه گزارشهای رسیده دارند؟ شاه میگوید: مسئله کار کردن مهم است. آنهم کار زیاد و عادت کردن بآن مسئله را حل میکند. از زومی ندارد من تمام صبحها را برای درک موضوع مطالعه کنم. پس از تجربیات ۳۵ ساله اینک با مطالعه چند جمله از اول یا وسط یا آخر گزارش به آسانی میتوانم پی برد که مفهوم گزارش چیست. و در جای دیگر: «من با تجربه هائی که طی ۳۵ سال سلطنت بدست آوردهام مطمئناً بهتر از مردم کوچه و بازار میدانم که مردم کشور چه فکر میکنند. و واقفاً ۳۵ سال سلطنت چه مختصات جالبی در یک غول بی شاخ و دم که محصول آب و هوا و جغرافیاست میتواند بوجود می آورد؟»

مزدور داریم تا مزدور!

مخبر دانمارکی می پرسد: «متابع زیادی از پول رانها برای تقویت بنیه نظامی صرف میکنند؟ شما از چه کسی میترسید؟» شاه میگوید: «... شاهراه حیاتی که تنگه هرمز است، هیچگونه اغلال را تحمل نخواهیم کرد. باید این شاهراه دریائی همیشه برای عبور و مرور کشتی ها باز باشد زیرا زندگی ما باین امر بستگی دارد. ما هرگز اجازه نمیدهیم مزدوران جنگی بین المللی (۲) وارد آنسوی مرز های ما شده و در نزدیکی کشور من مشکلات ایجاد کنند. با جدیت تمام از وقوع چنین حوادثی جلوگیری خواهیم کرد. اجازه نخواهیم داد مثنی مزدور منظمه ما را مورد تهدید قرار دهند! خوب! روشن شد! اعلیحضرت هرگز اجازه نمیدهند! هرگز تحمل نمیکند! که مثنی مزدور حتی آنسوی مرزهای کشور! حتی در نزدیکی ایران عرض اندام کنند. مخبر دانمارکی میپرسد: «بمنظور بر طرف کردن کمبود افراد ماهر در حال حاضر شما تعداد زیادی خارجی بویژه آمریکائی ها را بایران آورده اید. این موضوع شما را نگران نمیکند؟ زیرا اینکار با روش مستقل که شما برای توسعه ایران خواستارید مغایرت دارد. شاه میگوید: «نه! ابتدا! زیرا آنها استخدام شده اند و کارکنان ما هستند و در پایان هر ماه حقوق آنها را می پردازیم...» مخبر دوباره میپرسد: «از نظر اعلیحضرت وجود اینهمه خارجی نومی اتکاب به بیگانه نگان را نشان نمیدهد؟ شاه میگوید: «نه! ابتدا! هرگز! چنین نیست! موضوع اتکاب سیاسی مطرح نیست...»

کمی فکر کنید، «مثنی مزدور» در آنسوی مرز؟ در نزدیکی ایران! یعنی جنگجویان ظفار که شاه آنها را چند صد تن یا برهته مینماید. دیگفتیرت ملوکانه را چنان جوشان میسازد که فریاد «ما هرگز اجازه نمیدهیم!» «ما هرگز تحمل نمیکنیم!» «باجدیت جلوگیری نمیکنیم» او با آسمان میبرد. ولی دهها هزار نفر نظامی آمریکائی اینسوی مرز در داخل ایران همه شتون زندگی ما، سیاست داخلی و خارجی، ارتش، نفت، صنایع، بانکها، بازرگانی، همداری و غیره و غیره را طبق آنها قرارداد رسمی و قرار غیر رسمی کنترل میکنند! ابتدا! منسوری ندارند و جنب اعلیحضرت با پاسخهای: «نه! ابتدا! هرگز! چنین نیست! میخواهد دهن مخبر دانمارکی را هر چه زودتر ببندد. واقفاً روکه نیست! سنگ پای تروین است.

غصخور تمدن غرب

مخبر دانمارکی میگوید: «اعلیحضرت! مشکلات و خطاهای اروپا را تشریح کنید. شاه میگوید: «میخواهید بکجا بروید؟ خواست هایتان چیست؟ چرا در نابودی خود کوشا هستید؟ چرا میخواهید منهدم شوید؟ برای چه؟ تمدن کهنه سفید پوستان و یا تمدن مسیحیت خود را میخواهید با کدام تمدن مبادله کنید؟ چه چیز را جانشین تمدن سفید خود خواهید کرد؟»

احساسات شاهنشاه آتشین است. قهر و غضب او بعد اغلا است. تألیف او پایان ندارد: این اروپای

چه کسانی در زندانهای شاه میبوسند؟

در پاسخ احوالپرسی «زیرکانه» او سیصد هزار تومان از دهها و صد ها میلیون تومانی که با هزار زدنی و کلاشی از دسترنج زحماتشان رزوده است، ناز شست میبوزد. حمید کاشانی مبتکر تأسیس «فروشگاههای زنجیره ای» در ایران بوده و هم اکنون صاحب سه فروشگاه عظیم در تهران است. او که در نتیجه گرانفروشی باصطلاح تبعید شده بود، اکنون نه فقط در ضیافتها همنشین و هم پیماله نخست وزیر کشور میشود، بلکه بیاس خدمت، خود مورد تشویق و مرحمت نیز قرار میگیرد. بدنباله خبر اطلاعات توجه کنید: «... نخست وزیر سپس حمید کاشانی را به تأسیس تعدادی فروشگاه بزرگ تشویق کرد و قرار شد در این باره بعداً مذاکراتی بعمل آورند و با حمایت دولت طرح تأسیس فروشگاههای جدید از طرف فروشگاه ایران موقع اجرا گذارده شود...» از رژیممی که در رأسش شاه دردان قرار گرفته باشد، خواهر شاه ملکه قاجاریان باشد و نخست وزیرش حتی در دورانی که دبیر ناخیز سفارت شاهنشاهی در پاریس بود، پدزهی میبرداشت و مورد اعتراض مقامات رسمی فرانسه قرار میگرفت، بیش از این نیز انتظاری نمیتوان داشت. این شاه و دربار و چاکرانشان که تا فرق سر در منجلاب زدنی و فساد فرو رفته اند، جز پرورش دزد و فاسد، کاری نمیتوانند انجام دهند.

نماینده تلویزیون دانمارک در جریان مصاحبه ای که با شاه انجام داد، از او پرسید: «دیدید ام که مبارزه ای علیه فساد آغاز کرده اید. آیا این راست نیست که بسبب جریان ناکهانی مبالغه هنگفت پول بسیاری از ثروتمندان خیلی ثروتمندتر شده اند و من میدانم که فقرا هم احتمالاً فقیر تر شده اند و شکاف بین این دو طبقه وسیعتر میشود. شاه با بی پروائی خاص خود این واقعیت را منکر میشود و از برقراری عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی دم میزند. و این عدالت، شاهانه زمانی است که فرزندان زحماتشان در نتیجه بیماری و گرسنگی، فقدان پزشک و دارو چشم بچنان تشکوره راهی دنیا میشوند، ولی کاظم کورس و اکبر لاجوردیانت برای جشن عروسی فرزندان خود که عنوان «عروسی سال» بخود گرفت» بیش از ۱۵۰۰ نفر از مقامات عالی دولت و صاحبان صنایع و بازرگانان، را به هتل هیلتون دعوت میکنند و سالن های این هتل در مراسم جشن به نمایشگاهی از مد لباس و موزه ای از جواهر و زینت آلات مبدل میشود و نوردیدگان این نمایندگان عدالت اجتماعی برای گذراندن ماه صسل عازم یونان میگردند.

شاه باز در همین مصاحبه با بیشرمی ذاتی خود مدعی میشود که «در کشور که با سرعت رشد میکند، همیشه مردمان هستند که میخوانند خیلی زود ثروتمند شوند، اما ما نسبت به اینگونه افراد سخت خشن هستیم، اینها بیشترشان در زندانها میبوسند.» نه! شاه هرگز با دردان و فاسدان «سخت خشن» نیست و نخواهد بود و غارتگران نیز در زندانهای شاه نیوسیده و نخواهند پوسید. فقط کسانی که با رژیم خود گامه و میهن فروش شاه بمبارزه برخاسته اند، خشم حیوانی او را برمیانگیزند و آنان هستند که اگر در میدانهای تیر و شکتجه گاههای شاه بشهادت نرسیده باشند، در سیاهچال های او میبوسند. ولی شاه باید ایتر هم بداند، که پایه های تختی که در کاخهای رویا انگیز بزور سرتیژه بر آن تکیه دارد، مدتها است موربانه خورده و روزی خشم توده ها این تخت پوسیده استبداد را واژگون خواهد کرد.

غریبی بکجا میروید؟ چرا میخواند «تمدن کهنه سفید پوستان»، «تمدن مسیحیت»، «تمدن سفید» خود را از دست بدهد؟ چه چیز را میخواند جانشین آن کند؟ چرا در کار انهدام خود میکوشد؟ ایوای! بداد برسید! ولی این شاه بقدری در مغالبتی صکه مینماید تقیض گو است که در جریان همین بحث «سرنوشت تمدن اروپای غربی» یعنی سرنوشت تمدن کهن سفید و مسیحی سفید پوستان که بنظر او با نهایت اندوه و اسف درخطر انهدام قرار گرفته، میگوید: «بدنبال جنگ دوم جهانی زندگی اروپائیان با وفور نعمت هموار شد. ورود ثروتها بیکران از کشورهای در حال رشد جهان، بوالهوسی ها و وسوسه هائی ایجاد کرد. در حالیکه شما اروپائیان در پرتو ثروت های

سوئد

هنگامیکه دیکتاتور «کایتانو» در دهکده گالی پوش «ویریامو» (در موزامبیک استعمار دبروز) صدها نفر کودک، زن و سالخورده را زنده بگور میکرد، ابتدا نمی پنداشت که بزود لیسبون قدرت تاریکش سرتگون میشود. ما، یاران مردم موزامبیک، آنرا دیدیم و گفتیم او ندید و نشنید. اکنون مستر فوستر در پیرامون شهر زهانسبرگ، در کوههای سیاه نشیر «سوئو»، در میان کلیه های حقییر و چاله های آجن، صدها و هزار ها نفر را بگلوله می بندد. پلیس او روزها و شبها مشغول جمع آوری نعش ها و زخمی هاست و او ابتدا نمی پندارد رژیم نژاد پوست «آپارتیید» ش در آستانه زوال است، و آرامش چمن های تنیس و استخر کبود بهم خورده است. یاران او در واشنگتن و بن نیز فکر نمیکند. متحد تاجدار او در نیازوران نیز در این اندیشه نیست. ولی بند بند این کاخ ظلامانی از هم میگسلد. مؤطلم استعمار و نژاد گرایی در «نامی بی»، «رزدیا»، «افریقای جنوبی» بر پایه های سستی است. رنگین پوستها: سیاهان، هندوها، نژاد های مخلوط، همراه سفید ها در سرتاسر جنوب افریقا بیامیغیزند. طبقه نیرومند پرتلرانی پشت راست میگوید، ناز های کهنسال فریب و اغوا از میگسلد. دیوار های جدائی بین گردان های خلق فرو میبوزد، امواج پارتیزانها در جنگل هم سوگند میشوند، طوفان شگرفی در کار زایش است. آری، شلیک «سوئو» زتل و کودک فقیر و سیاه پوست را در کلیه های پوشالی شان غرق در خون میسازد. ولی پژواک این شلیک آسمانراشاهای «پرتوریان» و «کیپ تائون» حتی «کاخ سفید» واشنگتن را میلزاند. آخر، افریقایی نیمه دوم قرن بیستم را که نمیتوان برده نگاهداشت.

آقای اسمیت! دوران مانور های موزیانه شما بسر آمده. آقای فوستر! نوبت فلسفه ها توجیه گرانه شما گذشته است. آقای ژیسکار! اسلحه شما نمیتواند مسئله را بزبان تاریخ حد کند. آقای کیسیبیر! شعبده های مردم فریب شما بی اثر گردیده. آقای شمیت! آقای کالاگاز «سوسیالیسم» شما بیش از این نمی تواند غازه ای بر چهره فاشیسم شود. آقایان نژادگرایان فاشیست ها! پرستندگان گلوله و زور! جناب آریامهر! که دلار های نفتی خود را اعجاز گ پنداشته ای! کار به ویت نام و آنگولا و موزامبیک ختم نخواهد شد. قبرد ادامه دارد و ادا خواهد داشت: تا زمانی که اسارت باقی است، تا زمانی که اسارتگر باقی است.

(*) ملین رژیم نژاد گرایی افریقایی جنوبی و خانواده پهلوی از زمان رضا شاه رابطه برقرار است. هم اکنون شاه برای حفظ این رژیم در قب و تاب است.

خیانت بزرگ به مردم ایران...

است، محکوم میکند. ما مردم ایران را فرا میخوانیم تا با وسائلی که میسر میشمرند با آنت مبارزه خط جلوی این خطر جدی را بگیرند. سیاست ماجرا شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند و این سیاست تنها میتواند بیک فاجعه بیانجامد خود خواهی شاه و خانواده. پهلوی چنانست که نذارند نه تنها میهن ما بلکه سراسر منطقه را خاکستری بدل کنند.

واقیات اخیر یکبار دیگر صحت شعار ما را نشان میدهد که در مقابل مردم ایران وظیفه مبرمتر از سرتگون کردن رژیم حاضر و برای افزایش مناسب تر از خاتمه دادن به تشتت و نیروها و ایجاد وسیع ترین جبهه ضد دیکتاتوری کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم وجود ندارد. یها دادن به خطر و غفلت از آن بهیچوجه روا ندارد. نیرو ها و افراد مخالف رژیم نباید در تنگ نظری گروهی مستشرق شوند و برای رهائی ایران از شر از شوم ترین، ضد انسانی ترین و ماجراجوترین های فاشیست ماب جهان، باید وحدت عمل خمد بوجود آورند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران شهریور ۱۳۵۵

با این آدرس با رادیو پیک ایران، با مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی مآ کنید! B. 49034 X28 Stockholm 49 Sweden

مسیحی، بودن این تمدن بندر چه کسی میفوق بقول شادروان کسروی «براستی در یادوه اندازه نمیشناسد»

افکار عمومی در اروپای غربی...

بفعلیت ساواک و همکاری سازمانهای امنیتی کشورهای غربی با ساواک علیه میهنپرستان ایرانی ابراز نگرانی و اعتراض میکنند و اتکاس این نگرانی و اعتراض از جمله در فرانسه، ایتالیا، انگلستان و آلمان غربی در مطبوعات و تلویزیون گسترش یافته است. لازم به تذکر است که گسترش اعتراضات افکار عمومی در اروپای غربی علیه فعالیت جنتایتکارانه و مخرب ساواک بطور عمده نتیجه مبارزه افشارگرانه نیرو های ضد رژیم و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران است. جریان وقایع نشان میدهد که این مبارزه افشارگرانه میتواند در افشاء دستگاه جهانی ساواک و منفرد کردن رژیم مؤثر باشد و مؤثر بوده است. لذا وظیفه همه نیرو های ضد دیکتاتوری است که نه فقط مبارزه افشا گرانه خود را در خارج از کشور تشدید کنند، بلکه با وحدت عمل خود بر اثر بخشی این مبارزه بیفزایند.

هنگفت و منابع ملل در حال رشد روز بروز ثروتمندتر و چاق تر میشدند (عین اصطلاح شیوای اعلیحضرت است) و حال آنکه میلیونها انسان در دیگر کشورها در مصائب و گرسنگی و پراکندگی خانوادگی، بیماری و بیسوادی بسر میبردند. «چطور شد آقا؟ تمدن سفید و بلورین و کهنه و هالی مسیحی که اشک اعلیحضرت از خطر انهدامش جاری میشد و در همین مصاحبه به مخبر دانمارکی توصیه کرد که باید طرز کار را از رژیم آلمان غربی یاد بگیرد (همین روشهای فاشیست اعلیحضرت که با عنوان دیمکرات و سوسیالیست قانون منوعیت شمالی کمونیست ها را اجرا میکنند) یک مرتبه مبدل به تمدنی شد که بر اساس ثروتها و غارتی از ملل در حال رشد، بر اساس گرسنگی و بیماری و بیسوادی میلیونها انسان در کشورهای جهان، بر پایه بوالهوسی ها و وسوسه های ناپاک دیدید شد! پس چرا این تمدن، یعنی تمدن منقطع امپریالیستی و استعماری نباید منهدم شود؟ «سفید» و «کهنه» و